

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق

۰۵ دسمبر ۲۰۲۲



محمد محق

## عقربۀ فحشاء در ذهنیت طالبانی

در میان دغدغه‌هایی که گروه‌های بنیادگرا به میان می‌کشند و گاهی با استناد به آن به جنگ و کشتار متوسل می‌شوند، زن و مسایل جنسی نقش کانونی دارد، و بقیه مسایل فرع آن دانسته می‌شود، تا جائی که موضوعات دیگر حتی انکار خدا نیز بیش‌تر از این بابت باعث نگرانی شان است که شاید راه گسترش روابط بی‌ضابطه جنسی را بگشاید. طالبان در این زمینه در صدر همه این گروه‌ها قرار می‌گیرند. در تازه‌ترین مورد از قول سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان نقل شده است که تأسیس مکاتب برای دختران در زمان امان الله خان و سپس دوران ظاهر شاه را بخشی از فرهنگ وارداتی غرب خوانده و گفته است که این کار نسخه‌ای از عیاشی بوده است. عیاشی در تصور طالبان همان فحشاء و بی‌بند و باری جنسی است.

طالبان در بیست سال دوران جمهوریت با تمرکز تبلیغاتی شان بر موضوع زن و قضایای جنسی وانمود می‌کردند که فحشاء در سراسر افغانستان موج می‌زند و زنان و دختران افغان در معرض تجاوز خارجیان هستند. طبق تحقیقاتی که امنیت ملی آن زمان افغانستان از بازداشت شدگان طالب انجام داده بود، یکی از انگیزه‌های بسیار قوی برای پیوستن آنان به جنگ در برابر نظام پیشین همین تبلیغات بود که عمدتاً در مدارس هوادار طالبان در پاکستان انجام می‌شد. آنان با افزایش "مرچ و مصاله" تبلیغات خود که گویا ناموس مسلمانان بازیچه هوس‌های غیر مسلمانان قرار گرفته است، می‌توانستند شماری از جوانان کمسن و احساساتی را آماده عملیات انتحاری کنند.

اساساً ناموس خواندن زن، یعنی تقلیل دادن وی به زنده‌ای در کنار مرد که هویتش را نه از خود به حیث انسانی مستقل بلکه از مرد به حیث همسر یا عضو خانواده او می‌گیرد، بخشی از فرهنگ غیر انسانی است که ریشه در گذشته‌های دورتر دارد. ریشه این ذهنیت به دوران لشکرکشی‌ها می‌رسد، به روزگاری که زنان به تاراج می‌رفتند، و این عمل به مثابه روشی جهت تحقیر دشمن استفاده می‌شد. از این راه بود که موضوع زن با شرف و حیثیت مردان گره زده شد.

بدون شک جنایات جنگی و اعمال ضد بشری با مظاهر گوناگونش در تاریخ به وفور انجام یافته است، اما این که جنایتی مبنای شکل‌گیری لایه‌هائی از فرهنگ شود و در اثر آن زن جایگاه انسانی خود را از دست بدهد، فاجعه‌ای دیگر است. در مدرسی که طالبان آموزش دیده‌اند نه زن حضور داشته و نه به مثابه انسانی هم‌تا و هم‌سطح مرد به رسمیت شناخته شده است، بلکه به عنوان موجودی ناقص العقل معرفی شده که به آسانی فریب می‌خورد، و می‌تواند آبرو و شرف خانواده را بر باد بدهد. از نظر آنان آزادی زن سبب گسترش فحشاء و بی‌بند و باری، و خودش بخشی از بافت گناه است که مرد قربانی و سوسه‌ها و اغواگری‌هایش می‌شود.

عقربه فحشاء در ذهنیت طالبانی همیشه به طرف زن می‌چرخد و موارد بی‌شمار تجاوز به کودکان پسر که در مدارس خود شان انجام می‌شود نه توجهی را جلب می‌کند و نه حساسیتی را بر می‌انگیزد. چنین نگاه بیمارگونه‌ای به زن در جهان امروز نشانه‌ای از عقب‌ماندگی و جهل شمرده می‌شود، و بی‌اعتباری‌اش به اثبات رسیده است، اما در میان طالبان، و به ویژه رهبران شان، هنوز نگاه مسلط است و به این دلیل آماده نیستند زنان افغانستان به حقوق خود در زمینه تعلیم، تحصیل و کار دست پیدا کنند.